



حمید سبزوآری (شاعر) — امیر حسین فردی (نویسنده) — ابوالفضل عالی (گرافیست) — شهید رسول کلینژاد(عالمی) — حسن شایانفر (محقق) — شهید احمد زارعی (شاعر) — مهرداد اوستا (شاعر) — نصرالله مردانی (شاعر) — سیدنجانی یحیایان (کارگردان) — حبیب‌الله معلمی (شاعر) — علیرضا فروزه (شاعر) — محمد علی گودینی (نویسنده) — علی محمد مؤذن (شاعر) — مرحوم شهریار (شاعر) — محمد مهدی سیار (شاعر) — سیمین دخت حبیبی (شاعر) — ملولانین (نویسنده و تصویرگر)

سلب‌ریتی‌های گمنام انقلاب اسلامی

تعریف درست «سلب‌ریتی»

در تعریف «سلب‌ریتی» در معنای درست خود – نه در معنای مصطلح – باید گفت: «سلب‌ریتی» اصیل و واقعی کسی است که به اعتبار قابلیت‌ها و مهارت‌های شاخص فردی و اجتماعی، در حوزه تخصصی خویش مرجعیت پیدا می‌کند و با کسب مقبولیت و محبوبیت اجتماعی مشهور می‌شود. اهمیت سلب‌ریتی‌ها به واسطه دایره نفوذ و تأثیرگذاری گسترده آنها در بین اقشار جامعه است. از این منظر، نخبگان علمی، فرهنگی، اجتماعی – اندیشمندان، عالمان دینی، هنرمندان اصیل و ادیبان – باید در شمار سلب‌ریتی‌های جامعه امروز ما باشند. چنان‌که در دهه اول انقلاب شخصیت‌هایی مثل آیت‌الله طالقانی، علامه طباطبایی، استاد مطهری، شهید بهشتی، و شاعران و نویسندگانی همچون دکتر شریعتی، جلال آل احمد، طاهر صفا زاده، علی موسوی گرم‌رودی، و… بزرگ‌ترین سلب‌ریتی‌های جامعه بودند. شخصیت‌هایی که به واسطه برخورداری از فضیلت‌های انسانی، قابلیت‌های علمی و دینی، و توانمندی‌های فرهنگی و هنری، اسبویه و الگو بودند و در بین مردم کوچه و بازار مقبولیت و محبوبیت ویژه‌ای داشتند.

سلب‌ریتی و شبه سلب‌ریتی

ولی آنچه که امروز در جامعه شاهد آنیم، چیز دیگری است. این واقعیته غیرقابل انکار است که امروز فرزنانگان و فرهیختگان جامعه ما – با وجود تمام فضیلت‌ها و قابلیت‌هایی که دارند – سلب‌ریتی‌های گمنامند، و با کمال تأسف کنسانی عنوان «سلب‌ریتی» را که می‌کشند که جز «صورت‌زیبا»، «قدرعنا» و «چشم‌فریابه هنر دیگری ندارند. کسانی که به مدد قدرت جادویی رسانه‌های تصویری و شبکه‌های اجتماعی، عنوان سلب‌ریتی را غصب کرده اند، حال آنکه بیشتر «شبه سلب‌ریتی» هستند تا سلب‌ریتی.

از منظر تحلیل‌های جامعه شناسختی،

به بهانه درپیش بودن اول ادریبهشت روز بزرگداشت سعدی

«سعدی؛ استاد حدیث عشق»

ناهِید زندی پژوه

گفتم به نیرنگ و فسون پنهان کنم ریش درون پنهان نمی‌ماند که خون بر آستانم می‌رود
سعدی در مدح، شیوایش ابتکاری است؛ او در مدایح خود از اسنزدادن به ممنوع باز نمی‌ایستد و درعین وعظ و حکمت، بذله‌گو و شیرین‌بیان است.

فی‌المثل گویند: اباقخان از سعدی خواست

که او را پند دهد و سعدی پند تلخ را درلقافه شیرین شعر می‌پیچید گفت:

شهی که پاس رعیت نگاه می‌دارد
حلال باد چراغش که مزد چوپانیست
وگرنه رای خلق است زهر مارش

که هرچه می‌خورد او جز به عاید مسلمانیست
نه؟ سعدی گفت: اگر رایعی هستی بیت اول تو را کفایت است و الا بیت آخر!
در فکر سعدی خاندن، پیر نیاز مطلق است و او را نه به حمد و ثنایی احتیاج است و نه از کجروی بندگان زبانی حاصل.

ملک صمدیت را چه سود و زیان دارد
گر حافظ خرد او ز عاید انصامی
سعدی در غزل بسیار فصیح و رسایی که دفتر طبیب بدان آغاز می‌شود این فکر را می‌پرواند:

او همانکمی نیاز و بر همه مشفق
وز همه عالم نهان و بر همه پیندا
سعدی در تفسیر آیات متعددی که با این مضمون در قرآن آمده، فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْلَ ثَرَةٍ خَيْرًا مِنْهُ، و مَنْ يَعْمَلْ سُوًّا يُعْزَ بِهِ و لا یجدله مِنْ دُونِ اللَّهِ و لا یأْتی.

در غزلی فلسفی و دینی سروده:
خداوند زباید زندهای خستود
شکافت همه پیغمبران ندارد
پس معلوم می‌شود اعتقاد به شفاعت که تصور می‌شد فقط در میان شیعیان رایج و از دوره صفویه شایع گردیده بود در زمان سعدی کم‌الکثریت ایرانیان سنی بودند نیز وجود داشته است.

چون بازتاب حدیث اوائسل در قرن هفتم اهمیت خاصی داشته سعدی نیز اشارات

پراکنده‌ای در این مورد مینوئل داشته

تواصل خود آمدن از نخست
دگر هرچه موجود شرع فرد توست
می‌توان گفت سعدی وجودی دواگفاهی است اما این امر در عین آن‌که به شخصیت هنری او دود متمایز داده است آن را به هیچ‌وجه دچار تعارض، تزلزل و تضاد نکرده است. در درون او یک شاعر که دنیا را از دیدگاه عشق می‌نگرد؛ با یک معلم اخلاق که انسان را در مسیر تکرار اخلاق دنیال می‌کند هم‌خانه است. دو هم‌خانه که سرهم‌زستی را از طبیعت

وی آموخته‌اند.

سعدی در مواظ و قصاید تحقیقی خوش مفهوم اخوت انسانی را که مضمون حکم حدیث نبوی هم هست بطور ضمنی مبنای الزام عدل و احسان قرار می‌دهد و در شریعت وجدان و مروت انسانی این معنی را جایز نمی‌داند که در عالم برادری که بین



■ رضا اسماعیلی

شبه سلب‌ریتی‌ها نیز دقیقاً از همین جا تبدیل به یک آسیب و تهدید اجتماعی می‌شود، به واسطه استفاده از شگرد «متفاوت‌نمایی» و «هنجارشکنی»‌های بی‌مبنای فرهنگی. ایسن متفاوت‌نمایی رفته رفته منجر به استحاله فرهنگی و رفتارسازی غلط در لایه‌های میانی – بخصوص گروه‌های سنی نوجوان و جوان – جامعه می‌شود. زیرا نوجوانان و جوانان بیش از سایر اقشار اجتماعی مستعد تأثیرپذیری و الگوبرداری از شبه سلب‌ریتی‌ها هستند. این آتش به قدری شور شده است که نسل امروز در حالی که شاهد بازپخش مکرر برنامه‌ها و سریال‌های تکراری و تاریخ مصرف گذشته هستیم، برای معرفی شاعران، نویسندگان و هنرمندان اصیل انقلاب برنامه‌های جناب و هوشمندانه‌ای نداریم. صداسوسما در حالی که برای اختصاص چندین ساعت به برنامه‌های آشپزی در طول شبانه‌روز هیچ محدودیتی ندارد، برای پخش کامل شعرخوانی‌های جشنواره شعر فجر و دفاع مقدس دچار ضیق وقت می‌شود! علت این بی‌مهری نیز اظهارمن الشمس است، چون برنامه آشپزی اسپانسر دارد، و جشنواره مظلوم شعر فجر و دفاع مقدس نه! البته این تعلل و کوتاهی تنها به صداسوسما محدود نمی‌شود. سایر



سیدنجانی یحیایان (کارگردان) — حبیب‌الله معلمی (شاعر) — علیرضا فروزه (شاعر) — محمد علی گودینی (نویسنده) — علی محمد مؤذن (شاعر) — مرحوم شهریار (شاعر) — محمد مهدی سیار (شاعر) — سیمین دخت حبیبی (شاعر) — ملولانین (نویسنده و تصویرگر)

گمنامی

نهادهای بزرگ فرهنگی نیز در این حوزه کارنامه قابل دفاعی ندارند. اگر هم در طول این چهل سال در حوزه فرهنگ و هنر اتفاقی افتاده – چنانکه مقام معظم رهبری نیز در دیدار با اهالی شعر و ادب‌الشاره کردند – خارج از دایره نهادهای حکومتی و توسط افرادی معدود و انگشت شمار بوده که درد و دغدغه فرهنگی داشته‌اند.

رسانه ملی و آداب «مهرورزی»

به راستی آیا بعد از چهل سال زمان آن فرا رسیده است که مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی برای اعاده حیثیت از فرهنگ و ادبیات انقلاب و پاک کردن غبار مهروری و گمنامی از چهره شاعران و نویسندگان نجیب و اصیل انقلاب گامی درخور و شایسته بردارند؟ آیا زمان آن فرا رسیده است که رسانه ملی آداب «مهرورزی» با اصحاب فکر و فرهنگ را

نخبگان واقعی جامعه هستند – برای نسل امروز بیگانه‌اند، چرا که مسئولان و متولیان فرهنگی در طول چهل سال گذشته، تلاشی درخور و شایسته در جهت معرفی و چهره سازی از آنان به عمل نیاورده‌اند. نتیجه این تعلل و بی‌تفاوتی آن است که امروز در رسانه ملی در حالی که شاهد بازپخش مکرر برنامه‌ها و سریال‌های تکراری و تاریخ مصرف گذشته هستیم، برای معرفی شاعران، نویسندگان و هنرمندان اصیل انقلاب برنامه‌های جناب و هوشمندانه‌ای نداریم. صداسوسما در حالی که برای اختصاص چندین ساعت به برنامه‌های آشپزی در طول فرهنگ انقلاب ندارد، برای پخش کامل شعرخوانی‌های جشنواره شعر فجر و دفاع مقدس دچار ضیق وقت می‌شود! علت این بی‌مهری نیز اظهارمن الشمس است، چون برنامه آشپزی اسپانسر دارد، و جشنواره مظلوم شعر فجر و دفاع مقدس نه! البته این تعلل و کوتاهی تنها به صداسوسما محدود نمی‌شود. سایر

نخبگان واقعی جامعه هستند – برای نسل امروز بیگانه‌اند، چرا که مسئولان و متولیان فرهنگی در طول چهل سال گذشته بارها و بارها بر تلاشی درخور و شایسته در جهت معرفی و چهره سازی از آنان به عمل نیاورده‌اند. نتیجه این تعلل و بی‌تفاوتی آن است که امروز در رسانه ملی در حالی که شاهد بازپخش مکرر برنامه‌ها و سریال‌های تکراری و تاریخ مصرف گذشته هستیم، برای معرفی شاعران، نویسندگان و هنرمندان اصیل انقلاب برنامه‌های جناب و هوشمندانه‌ای نداریم. صداسوسما در حالی که برای اختصاص چندین ساعت به برنامه‌های آشپزی در طول فرهنگ انقلاب ندارد، برای پخش کامل شعرخوانی‌های جشنواره شعر فجر و دفاع مقدس دچار ضیق وقت می‌شود! علت این بی‌مهری نیز اظهارمن الشمس است، چون برنامه آشپزی اسپانسر دارد، و جشنواره مظلوم شعر فجر و دفاع مقدس نه! البته این تعلل و کوتاهی تنها به صداسوسما محدود نمی‌شود. سایر

نخبگان واقعی جامعه هستند – برای نسل امروز بیگانه‌اند، چرا که مسئولان و متولیان فرهنگی در طول چهل سال گذشته بارها و بارها بر تلاشی درخور و شایسته در جهت معرفی و چهره سازی از آنان به عمل نیاورده‌اند. نتیجه این تعلل و بی‌تفاوتی آن است که امروز در رسانه ملی در حالی که شاهد بازپخش مکرر برنامه‌ها و سریال‌های تکراری و تاریخ مصرف گذشته هستیم، برای معرفی شاعران، نویسندگان و هنرمندان اصیل انقلاب برنامه‌های جناب و هوشمندانه‌ای نداریم. صداسوسما در حالی که برای اختصاص چندین ساعت به برنامه‌های آشپزی در طول فرهنگ انقلاب ندارد، برای پخش کامل شعرخوانی‌های جشنواره شعر فجر و دفاع مقدس دچار ضیق وقت می‌شود! علت این بی‌مهری نیز اظهارمن الشمس است، چون برنامه آشپزی اسپانسر دارد، و جشنواره مظلوم شعر فجر و دفاع مقدس نه! البته این تعلل و کوتاهی تنها به صداسوسما محدود نمی‌شود. سایر

نخبگان واقعی جامعه هستند – برای نسل امروز بیگانه‌اند، چرا که مسئولان و متولیان فرهنگی در طول چهل سال گذشته بارها و بارها بر تلاشی درخور و شایسته در جهت معرفی و چهره سازی از آنان به عمل نیاورده‌اند. نتیجه این تعلل و بی‌تفاوتی آن است که امروز در رسانه ملی در حالی که شاهد بازپخش مکرر برنامه‌ها و سریال‌های تکراری و تاریخ مصرف گذشته هستیم، برای معرفی شاعران، نویسندگان و هنرمندان اصیل انقلاب برنامه‌های جناب و هوشمندانه‌ای نداریم. صداسوسما در حالی که برای اختصاص چندین ساعت به برنامه‌های آشپزی در طول فرهنگ انقلاب ندارد، برای پخش کامل شعرخوانی‌های جشنواره شعر فجر و دفاع مقدس دچار ضیق وقت می‌شود! علت این بی‌مهری نیز اظهارمن الشمس است، چون برنامه آشپزی اسپانسر دارد، و جشنواره مظلوم شعر فجر و دفاع مقدس نه! البته این تعلل و کوتاهی تنها به صداسوسما محدود نمی‌شود. سایر

سر و کار دارد و عجب نیست که تا این حد بیانش با سخن دیگر ادبای طراز اول اروپا مشابه است. به عنوان نمونه در گلستان، اعرابی در حلقه جوهریان بصره حکایت می‌کند که کبشهای باقم و پنداشتم گندم بریان است اما چقدر نومید شدم وقتی دریافتم مروراید غفلان است. در این قطعه خواننده به یاد رابینسون کروزه می‌افتد که در جزیره‌ای متروک گرفتار شده و وقتی سکه‌های طلا را می‌یابد آرزو می‌کند که کاش تخم هویج یا چیزی از این قبیل بود. و یا در حکایت آن پاره گل خوشبویی که در حمام بدست سعدی می‌رسد و او را به اندیشه فواید هم‌پیشینی رهنمون می‌شود یادآور داستان قدر است که عطردار خالی از عطر در کنار رهگذاری می‌یابد و او را مثل تنی بی‌جان تلقی می‌کند.

غزل‌های سعدی را می‌توان در سه دهف هفت بررسی قرار داد: غزل‌های عاشقانه، غزل‌های عرفانی و غزل‌های طنموذ. در غزل‌های عاشقانه، موضوع عشق انسانی است که غزل‌های سعدی بیشتر از این نوع است و او در آن‌ها، جوهر شعر غنایی را به نمایش می‌گذارد و می‌توان اذعان نمود که در این نوع مهارتی کم‌نظیر دارد. در این گونه غزل، با آنکه بیان عشق لسانی و زمینی است و در عین حال والا و فاخر است. بهره غزل‌های عارفانه سعدی کم است، اما با این وجود در سرودن این نوع نیز سعدی استادی مسلم است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت شیخ جنبه‌های مختلف دارد. هم نثر و نظمی از خود به یادگار گذاشته که معیار اصالت زبان فارسی امروز به شمار می‌رود، هم قصیده سراسرت و هم غزل‌هایی سروده، هم معظه کرده و هم به مطالبه پرداخته، هم در اخلاق سخن‌زنده و هم در سیاست و اجتماع، هم از تصوف و عرفان دمزد و هم مانند متشعر زاهدی از ظواهر دیناست. خلاصه

سعدی در این اثر، زیبایی در کنار زشتی و اندوه در جوار شادی است و البته گناه این تناقض‌ها و زشتی‌ها بر او نیست بلکه برخورد دنیاست. باید گفت سعدی آنچه دیده درست توصیف کرده است. بوستان سعدی آفریده خیال شاعر است. در این دنیای رنگین خیالی زشتی و بدی بی‌رنگ و بی‌روقت است و آنچه درخشدنی جلوه دارد نیکی و زیبایی است. در چنین شرایطی انسان به اوج مقام آدمیت برمی‌آید و از هرچه پستی و نامردمی است پاک می‌شود. گویا، سعدی در این کتاب سعی دارد هرچه زشتی و بدی است از عرصه این جهان بزداید و در همه جهان جز نیکی و زیبایی چیزی باقی نگذارد. آنچه مسلم است در دنیایی که آفریده دوق و خیال سعدی است، آدمی حضور خدا را حس می‌کند و لحن سعدی آکنده از نیاز و امید است.

بیا تا آرم دستي ز دل
که نتوان بر آورد بر در گل
خدایا به عزب که خوارم مکن
به دل گنه شرمارم مکن
فیریم به جرم گناهم مگیر
غنی را تو جرم بود بر فقیر

جالب توجه آنکه اندیشه و بیان سعدی در بسیاری موارد با سخنان نویسندگان و شاعرای خارجی شباهت دارد. شاید مایه شهرت و قبول سعدی از آنجاست که وی با باور و قلب انسانی دوم بهار و تابستان، ۱۲۸۲.

۱. پورهایشمی، فاطمه، شاعران بزرگ ایران، تهران، بهمپوری، ۱۳۹۱.
۲. دشتی، علی، قلمرو سعدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۳. زرین کوب، عبدالحسین، حدیث خوش سعدی، تهران، زندگي و اندیشه سعدی، تهران، سخن، ۱۳۸۶.
۴. نشریه ادبیات عرفانی، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۳۸۹.
۵. فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره دوم، بهار و تابستان، ۱۳۸۲.

صفحه ۷
یک‌شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۸
۸ شعبان ۱۴۴۰ – شماره ۲۳۱۶۰



حمید سبزوآری (شاعر) — امیر حسین فردی (نویسنده) — ابوالفضل عالی (گرافیست) — شهید رسول کلینژاد(عالمی) — حسن شایانفر (محقق) — شهید احمد زارعی (شاعر) — مهرداد اوستا (شاعر) — نصرالله مردانی (شاعر) — سیدنجانی یحیایان (کارگردان) — حبیب‌الله معلمی (شاعر) — علیرضا فروزه (شاعر) — محمد علی گودینی (نویسنده) — علی محمد مؤذن (شاعر) — مرحوم شهریار (شاعر) — محمد مهدی سیار (شاعر) — سیمین دخت حبیبی (شاعر) — ملولانین (نویسنده و تصویرگر)

گواهی

■ پژمان کریمی